فصلنامه علمی اقتصاد و بانکداری اسلامی، شماره پنجاه و چهارم، بهار ۱۴۰۵- صفحات ۵۴۷-۵۱۷

مقایسه تأثیر نابرابری بر انفاق در گروه های استانی از حیث رفاه[۱]

نوع مقاله: پژوهشی

ابوالفضل بهرا[۲]
اشکان رحیم‌زاده[۳]
محمد دالمن‌پور[۴]
احمد نقیلو[۵]

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۴/۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۶/۴

چکیده

هدف مقاله حاضر بررسی مقایسه‌ای تأثیر متقابل انفاق و نابرابری بر انفاق در دو گروه استانی از حیث رفاه می‌باشد. در این راستا و به‌منظور تجزیه‌وتحلیل این ارتباط در مطالعه حاضر با استفاده از رویکرد خود رگرسیون برداری پانلی (P-Var) به بررسی مقایسه‌ی تأثیر نابرابری بر انفاق در دو گروه استان‌ها از حیث رفاه در دوره ۱۳۸۵ ـ ۱۴۰۱ پرداخته شده است. جامعه آماری این پژوهش از ۳۰ استان کشور تشکیل شده است که استان ها بر اساس نسبت هزینه خوراکی به درآمد به دو گروه بالا و پایین تقسیم شده است؛ گروه اول شامل ۱۴ استان و گروه دوم شامل ۱۶ استان می‌باشد. در این تحقیق ابتدا آمار توصیفی بررسی و با استفاده از آزمون همجمعی، ایستایی متغیرها بررسی و با استفاده از معیار شوارتز، وقفه بهینه برآورد شد. با توجه به وقفه بهینه رابطه بلندمدت متغیرها بر اساس آزمون جوهانسون، در دو معادله جداگانه در سطوح اطمینان ۹۵ درصد، استخراج شد که نشان می‌دهد در هر دو گروه فقط وقتی نرخ ضریب جینی افزایش می‌یابد انفاق سرانه افزایش می‌یابد و اثر تغییرات سایر متغیرها در دو گروه متفاوت می‌باشد. همچنین اثر شوک‌ها بیانگر تاثیر مثبت شوک ضریب جینی بر انفاق هر دو گروه است. روند نزولی انفاق در اثر شوک شاخص قیمت برای گروه اول دیرتر صورت می‌پذیرد. اثر مثبت شوک تولید ناخالص داخلی بر انفاق در گروه دوم مشاهده گردید. تاثیر شوک

---

۱ این مقاله مستخرج از رساله دکترای نویسنده اول در دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان می باشد.

۲ دانشجوی دکتری علوم اقتصادی گروه اقتصاد. واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران
Abolfazl.bahra@gmail.com

۳ استادیار گروه اقتصاد، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران(نویسنده مسئول)
Ashkan.rahimzadeh@iauz.ac.ir

۴ استادیار گروه اقتصاد، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران Dalmanpour@gmail.com

۵ استادیار گروه اقتصاد، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران Ahmadnaghilo@gmail.com

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-25]

جمعیتی در هر دو گروه بصورت منفی بوده و اثر شوک نرخ بیکاری بر انفاق برای گروه دوم که از وضعیت رفاهی کمتری برخوردارند، منفی مشاهده می‌شود.

واژه‌های کلیدی: انفاق، توزیع درآمد، تورم، نرخ بیکاری، آزمون جوهانسون، تولید ناخالص داخلی و خود رگرسیون برداری پانلی[1].
طبقه‌بندی JEL: E24, E31, j24, D31.

[1] Panel Vector Auto-Regression analysis

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-25]

مقدمه

از دیدگاه نظریه اقتصاد اسلامی هدف پرداخت‌کننده انفاق بدست آوردن رضایت الهی است. شاید بتوان گفت مهم‌ترین دلیل وضع انفاق ساخته‌شدن انسان‌های پرداخت‌کننده و نیز تأمین زندگی نیازمندان و افراد ناتوان است. از یک‌سو رفاه افزایش و از سوی دیگر تقاضا بالاتر می‌رود و تولید رونق می‌یابد و در پی آن باعث ایجاد درآمد برای صاحبان تولید می‌شود. آیات و روایات بسیاری به اهمیت انفاق می‌پردازد و باوجود این آیات و روایت و تأکید دین به این مهم انسان‌ها رفتار خود در زمینه‌های گوناگون مانند انفاق را با نگاه به ویژگی‌های خود و جامعه و تحت تأثیر متغیرهای اقتصادی و اجتماعی بازارها و جامعه تنظیم می‌کنند. انفاق به‌عنوان فرآیندی که طی آن جریان درآمدی از سوی قشر ثروتمند جامعه به قشر فقیر جامعه منتقل می‌شود، یکی از عوامل مهم کاهش نابرابری و فقر محسوب می‌گردد که در قرآن کریم نیز واجب شده است (سوپراییتنوو همکاران[1]، ۲۰۱۳). از نظر دین مبین اسلام، پرداخت زکات بر تمامی افرادی که دارای مال و ثروت هستند واجب شرعی است. پرداخت زکات می‌تواند آثار مثبت فراوانی ازجمله از بین رفتن فقر، کاهش فاصله طبقاتی در بین افراد جامعه و همچنین رشد و رونق و شکوفایی جامعه اسلامی را در برداشته باشد (صفایی و همکاران، ۱۳۹۹).

توزیع نابرابر درآمد و منابع در جامعه، یکی از چالش‌های بزرگ تمامی کشورهای دنیا است. در اقتصادهای توسعه‌یافته و درحال‌توسعه، شکاف نابرابری درآمدی در سطوح بالایی قرار دارد و همچنان در حال افزایش است(دابلا نوریس و همکاران[2]، ۲۰۱۵). افزایش نابرابری درآمدی، نارضایتی اجتماعی را دامن میزند و خطر ناآرامی‌های اجتماعی و سیاسی را افزایش می‌دهد(بارو[3]،۲۰۰۰). آلسینا و رودریک[4](۱۹۹۴) چنین استدلال می‌کنند که نابرابری درآمدی زیاد، با افزایش احتمال کودتا، انقلاب، خشونت‌های توده‌ای یا به‌طور کلی، با افزایش عدم اطمینان سیاست‌ها و تهدید حقوق مالکیت، اثر منفی بر سرمایه‌گذاری و پس‌انداز دارد(مدینگی و هو[5]،۲۰۲۱). مسئله توزیع درآمد خود از چهار بعد نابرابری، فقر، تحرک و رفاه تشکیل شده است. نابرابری درآمد به‌ویژه در کشورهای درحال‌توسعه از جهات مختلفی بر رفاه اقتصادی جامعه اثرگذار است. گزارش مرکز آمار ایران از هزینه درآمد خانوار به‌خوبی این مسئله را تائید می‌کند. بررسی آمار رفاه و نابرابری در هریک از استان‌های کشور در سال ۱۴۰۲ در نمودار(۱)نشان می‌دهد ۴ وضعیت متفاوت از ترکیب متغیرهای رفاه و نابرابری وجود دارد که هر استان با توجه به ویژگی‌هایی که دارد دریکی از این دسته‌بندی‌ها قرار گرفته است. شاخص‌ترین

1 Suprayitno et al
2 Dabla-Norris et al
3 Barro
4 Alesina and Rodrik
5 Mdingi and Ho

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-25]

استان در رفاه بالا و نابرابری بالا، تهران است. همچنین استان سیستان و بلوچستان شاخص‌ترین استان در وضعیت رفاه کم و نابرابری زیاد در ایران است.

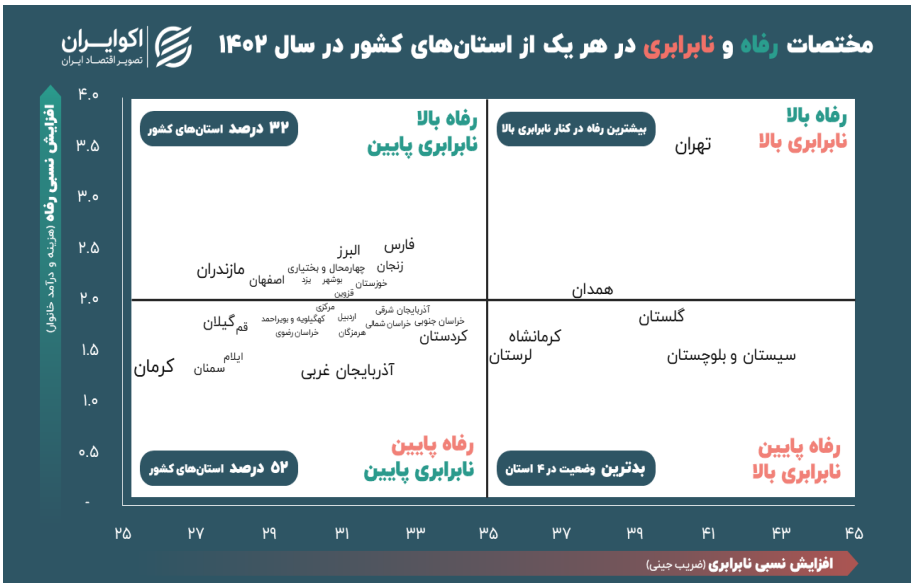

نمودار(۱)گزارش مرکز آمار ایران از هزینه درآمد خانوار

منبع: مرکز آمار ایران

مطابق داده‌های مرکز آمار بیش از نیمی از استان‌های کشور در وضعیتی قرار گرفته‌اند که هم رفاه و هم نابرابری در آن‌ها پایین است. به عبارتی، ۵۲ درصد استان‌های کشور که شامل مواردی مثل کرمان، آذربایجان غربی، گیلان، قم، کردستان و تعدادی دیگر از استان‌ها می‌شود، شاخص رفاه (میانگین هزینه و درآمد خانوار) بین یک تا ۲ میلیارد ریال بوده و شاخص نابرابری (ضریب جینی) سطحی بین ۲۵ تا ۳۵ درصد را اتخاذ کرده است.

۳۲ درصد استان‌های کشور نیز رفاه بالا و نابرابری پایین را تجربه کرده‌اند. استان‌های فارس، البرز، مازندران و اصفهان در همین گروه قرار گرفته‌اند. در این استان‌ها، شاخص رفاه بین ۲ تا ۳ میلیارد ریال در سال است. ضریب جینی نیز مانند گروه قبلی سطحی بین ۲۵ تا ۳۵ درصد دارد.

بررسی‌های بیشتر نشان می‌دهد ۴ استان نامطلوب‌ترین وضعیت را از نظر رفاه و نابرابری تجربه کرده‌اند. این استان‌ها شامل لرستان، کرمانشاه، گلستان و سیستان و بلوچستان می‌شوند که از بین آن‌ها وضعیت در سیستان و بلوچستان نامطلوب‌تر از سایرین است. در این استان، شاخص رفاه تقریباً

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-25]

۱,۵ میلیارد ریال و ضریب جینی به‌عنوان شاخص نابرابری حدود ۴۰ درصد است. در مقابل، در آخرین گروه از استان‌ها دو استان تهران و همدان قرار گرفته‌اند که در آن‌ها هم رفاه و هم نابرابری سطح بالایی دارد. این مسئله خصوصاً در استان تهران قابل مشاهده است. در تهران، شاخص رفاه تقریباً ۳,۵ میلیارد ریال و شاخص نابرابری تقریباً ۴۱ درصد است. موضوع نابرابری در توزیع درآمد در کشورهای درحال‌توسعه از حساسیت بیشتری برخوردار است. در کشورهای درحال‌توسعه، مسئله اصلی، رسیدن به میزان تولید و نرخ رشد بالاتر است و در نتیجه، توجه کافی به مسئله توزیع درآمد و نابرابری‌های درآمدی جامعه نمی‌شود. انفاق از جمله راهکارهای دین اسلام برای دستیابی به وضعیت مطلوب توزیع درآمد و کاهش شکاف درآمدی بین ثروتمندان و فقیران به‌حساب می‌آید. با این وجود و بر اساس بررسی‌های محقق، کمتر پژوهشی به‌صورت تجربی مقایسه‌ی تأثیر نابرابری بر انفاق در دو گروه استان‌ها از حیث رفاه را بررسی نموده است. با توجه به نقش نابرابری درآمدها بر انفاق در ادبیات اقتصادی و تأکید آیات و روایات اسلامی در این خصوص در این مقاله به دنبال آزمون مقایسه‌ی تأثیر نابرابری بر انفاق در دو گروه استان‌ها از حیث رفاه خواهیم بود. در بخش دوم و سوم به‌مرور پیشینه‌ها و بررسی مبانی نظری پرداخته‌شده است. در بخش چهارم روش پژوهش و داده مورد بررسی قرار گرفته و در بخش پنجم به یافته‌های پژوهش و در نهایت نتیجه‌گیری و پیشنهادهای سیاستی پرداخته می‌گردد.

۱. ادبیات نظری

انفاق به عنوان یکی از جلوه‌های نوع‌دوستی، در چارچوب نظری اقتصاد رفتاری، به‌عنوان عملی داوطلبانه با هدف کمک به همنوعان و ارتقای سرمایه اجتماعی تعریف می‌شود. بر اساس نظریه‌های اقتصاد نهادگرا، سطح مشارکت‌های داوطلبانه و خیریه‌ای تحت تأثیر مجموعه‌ای از عوامل اقتصادی، اجتماعی و روان‌شناختی قرار دارد (آندئونی، ۲۰۰۶). با انفاق، مردم مؤمن می‌توانند گودال‌های فقر و منافذ خطرهای اقتصادی را از بین برده تا جامعه اسلامی گرفتار تکاثر، کثرت طلبی، مال‌اندوزی و بحران اقتصادی نشود (محمودی، ۱۳۸۳). یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر انفاق، نابرابری اقتصادی است. نظریه‌های عدالت اجتماعی مانند نظریه راولز، و همچنین دیدگاه‌های مارکسیستی و نئوکلاسیک در خصوص توزیع درآمد، همگی نشان داده‌اند که نابرابری می‌تواند پیامدهایی چون کاهش اعتماد اجتماعی، تضعیف سرمایه اجتماعی و بی‌ثباتی اقتصادی به‌همراه داشته باشد (بانک جهانی، ۲۰۲۲). این پدیده ممکن است ناشی از تفاوت‌های ساختاری، فردی و نهادی باشد که در سطوح محلی، ملی و جهانی اثرگذار هستند (بانک جهانی، ۲۰۲۳). ضریب جینی یکی از متداول‌ترین شاخص‌های اندازه‌گیری نابرابری درآمدی است که مقداری بین صفر تا یک دارد. این شاخص از سوی

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-25]

نهادهای اقتصادی بین‌المللی مانند بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول به‌صورت مستمر گزارش می‌شود (اینوستاپدیا، ۲۰۲۲). علل نابرابری را می‌توان در دو دسته اصلی طبقه‌بندی کرد: اول، عوامل ساختاری مانند سیاست‌های مالیاتی، جهانی‌شدن، توزیع منابع تولید و عملکرد نهادهای اقتصادی که می‌توانند منجر به تقویت یا تضعیف نابرابری شوند (صندوق بین‌المللی پول، ۲۰۱۵)؛ و دوم، عوامل فردی همچون سطح تحصیلات، مهارت‌های شغلی، سن، جنسیت، و محل زندگی که تفاوت‌های فردی در درآمد و ثروت را رقم می‌زنند (فین‌تراکتز، ۲۰۲۳).

رابطه نابرابری و انفاق نیز پیچیده است. برخی دیدگاه‌ها حاکی از آنند که با افزایش نابرابری، تمایل به انفاق کاهش می‌یابد، زیرا هم توان مالی در طبقات پایین محدود می‌شود و هم همبستگی اجتماعی در طبقات بالا تضعیف می‌گردد. در مقابل، برخی نظریه‌های اقتصاد رفتاری مانند «گرم‌کردن درونی « (warm-glow giving)استدلال می‌کنند که نابرابری می‌تواند انگیزه‌هایی برای افزایش انفاق در میان ثروتمندان ایجاد کند (آندئونی، ۲۰۰۶). البته متغیرهای اقتصادی مانند تورم، تولید ناخالص داخلی، جمعیت و بیکاری نیز در این رابطه نقش دارند که مختصر بدان پرداخته می‌شود.

نابرابری و انفاق

نابرابری ممکن است بر رفتارهای اجتماعی مانند مشارکت در امور خیریه و انفاق تأثیرگذار باشد. برخی پژوهش‌ها نشان می‌دهند که نابرابری زیاد ممکن است انگیزه‌ی افراد برای انفاق و نوع‌دوستی را کاهش دهد، اما برخی دیگر معتقدند افراد در طبقات بالاتر ممکن است به دلیل احساس مسئولیت اجتماعی، مشارکت بیشتری در امور خیریه داشته باشند (آندئونی، ۲۰۰۶). رابطه بین نابرابری اقتصادی و رفتارهای انفاقی، از جمله کمک‌های خیریه، صدقات، وقف و مشارکت‌های داوطلبانه، یکی از موضوعات مهم در ادبیات اقتصاد رفتاری و اقتصاد عمومی است. این رابطه، در تحقیقات نظری و تجربی، گاهی مثبت و گاهی منفی گزارش شده است (آندئونی، ۲۰۰۶).در یک دیدگاه، نابرابری بالا منجر به کاهش تمایل به انفاق در سطح جامعه می‌شود. افزایش شکاف درآمدی می‌تواند حس بی‌اعتمادی، بی‌عدالتی و جدایی اجتماعی را تقویت کند و از این طریق رفتارهای همدلانه را کاهش دهد. به‌ویژه، افراد کم‌درآمد در شرایط نابرابری قادر به کمک نیستند و افراد ثروتمند نیز ممکن است احساس تعلق و مسئولیت اجتماعی کمتری داشته باشند (صندوق بین‌المللی پول، ۲۰۲۰). همچنین برخی پژوهش‌ها به رابطه منفی میان نابرابری و اعتماد اجتماعی به‌عنوان یکی از پایه‌های انفاق اشاره کرده‌اند (صندوق بین‌المللی پول، ۲۰۱۵).در مقابل، نظریه‌هایی مانند "گرم‌کردن درونی" (warm-glow giving) یا کسب پرستیژ اجتماعی از طریق انفاق، بر این باورند که افراد در طبقات مرفه ممکن است با افزایش نابرابری، بیش‌تر به مشارکت در امور خیریه تمایل نشان دهند؛ زیرا کمک مالی به دیگران، احساس رضایت درونی یا منزلت اجتماعی بیشتری برای آنان به همراه دارد (آندئونی،

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-25]

۲۰۰۶).یافته‌های تجربی نیز این دوگانگی را نشان می‌دهند. در برخی کشورها با نابرابری بالا، نرخ مشارکت داوطلبانه و انفاق کاهش یافته است (صندوق بین‌المللی پول، ۲۰۱۵). اما در برخی دیگر، کمک‌های مالی افراد ثروتمند به نهادهای خیریه افزایش یافته است، که می‌تواند به نقش نهادهای دینی، فرهنگی یا سیاست‌های مالیاتی مشوق نیز مرتبط باشد (فین‌تراکتز، ۲۰۲۳).در مجموع، رابطه بین نابرابری و انفاق پیچیده، چندبعدی و وابسته به بستر اجتماعی، فرهنگی و نهادی هر جامعه است. عواملی مانند سطح توسعه اقتصادی، نهادهای دینی، سیاست‌های بازتوزیعی، و فرهنگ اعتماد اجتماعی می‌توانند نقش واسط در این رابطه ایفا کنند (بانک جهانی، ۲۰۲۳).

تورم و انفاق

تورم یکی از مهم‌ترین شاخص‌های بی‌ثباتی اقتصادی است که تأثیر چشم‌گیری بر رفتارهای مالی و اجتماعی افراد دارد. با افزایش نرخ تورم، قدرت خرید خانوارها کاهش یافته و هزینه‌های ضروری زندگی افزایش می‌یابد. این مسئله می‌تواند مستقیماً باعث کاهش منابع در دسترس برای فعالیت‌های داوطلبانه، انفاق و امور خیریه شود. به‌ویژه در جوامع با سطوح پایین درآمدی، افراد ترجیح می‌دهند درآمد محدود خود را صرف نیازهای اساسی کنند (صندوق بین‌المللی پول، ۲۰۲۳). همچنین، در شرایط تورمی طولانی‌مدت، بی‌اعتمادی نسبت به آینده اقتصادی افزایش یافته و رفتارهای نوع‌دوستانه‌ای که مبتنی بر احساس امنیت مالی هستند، ممکن است کاهش یابند (بانک جهانی، ۲۰۲۲).

تولید ناخالص داخلی و انفاق

تولید ناخالص داخلی به‌عنوان شاخصی از سطح فعالیت‌های اقتصادی، درآمد ملی و رفاه عمومی شناخته می‌شود. افزایش GDP معمولاً نشان‌دهنده بهبود وضعیت اقتصادی و رشد درآمد سرانه است که می‌تواند به افزایش تمایل افراد به مشارکت در امور خیریه منجر شود (سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، ۲۰۲۲). از دیدگاه نظریه‌های اقتصاد خرد رفتاری، وقتی درآمد افراد از سطح معینی فراتر می‌رود و نیازهای اولیه آن‌ها برطرف می‌شود، احتمال دارد به ارزش‌هایی مانند مسئولیت اجتماعی، کمک به دیگران و نوع‌دوستی توجه بیشتری داشته باشند (آندئونی، ۲۰۰۶). در نتیجه، در جوامعی با سطح بالاتر تولید ناخالص داخلی، می‌توان انتظار داشت میزان انفاق نیز بیشتر باشد.

جمعیت و انفاق

تغییرات جمعیتی، به‌ویژه رشد جمعیت و تراکم آن، می‌تواند نقش مهمی در تعیین میزان و نوع رفتارهای انفاقی ایفا کند. در جوامعی با رشد سریع جمعیت، نیازهای اجتماعی افزایش یافته و تقاضا برای کمک‌های مردمی و انفاق بیشتر می‌شود. اما از سوی دیگر، در مناطق شهری و پرجمعیت که روابط اجتماعی ضعیف‌تر و همبستگی کمتری میان افراد وجود دارد، رفتارهای مشارکتی ممکن است

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-25]

کاهش یابد (برنامه توسعه سازمان ملل متحد، ۲۰۲۱). ساختار جمعیتی نیز مهم است؛ برای مثال، نسبت بالای جمعیت سالمند یا جوان می‌تواند نوع نیازها و جهت‌گیری کمک‌های خیریه را تحت تأثیر قرار دهد (بانک جهانی، ۲۰۲۲).

بیکاری و انفاق

نرخ بیکاری نه‌تنها شاخصی از وضعیت بازار کار است، بلکه بازتابی از سطح ثبات اقتصادی و اجتماعی نیز به‌شمار می‌رود. زمانی که نرخ بیکاری بالا می‌رود، خانوارها با کاهش درآمد، ناامنی اقتصادی و فشارهای روانی مواجه می‌شوند. این عوامل می‌توانند توان و تمایل افراد را برای کمک مالی به دیگران کاهش دهند (صندوق بین‌المللی پول، ۲۰۲۰). با این حال، در برخی زمینه‌ها، افزایش بیکاری ممکن است موجب تقویت احساس مسئولیت اجتماعی در میان گروه‌های برخوردار جامعه شود که در پاسخ به نابرابری اجتماعی اقدام به انفاق بیشتر می‌کنند (OECD، ۲۰۲۱). بنابراین، اثر بیکاری بر انفاق می‌تواند دوسویه و وابسته به زمینه فرهنگی و حمایتی موجود در جامعه باشد.

در ایران نیز تعداد اندکی از پژوهش‌ها به‌صورت استانی و در بازه زمانی بلندمدت به تحلیل این رابطه پرداخته‌اند. بنابراین، تحقیق حاضر با هدف پرنمودن این شکاف، به بررسی رابطه میان نابرابری و انفاق در استان‌های ایران طی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۴۰۱ با استفاده از خودرگرسیون برداری پانل می‌پردازد.

۲. پیشینه تحقیق

پیشینه داخلی

در ادبیات اقتصادی ایران تأثیر نابرابری بر انفاق و کمک‌های خیریه مورد توجه برخی از محققان قرار گرفته است. از منظر اقتصادی، درآمد فردی و خانوار از اصلی‌ترین عوامل تأثیرگذار بر رفتار انفاقی افراد محسوب می‌شود. در این راستا، دین‌داری و باورهای مذهبی نقش قابل‌توجهی در شکل‌دهی به کنش‌های نیکوکارانه دارند. در پژوهشی که توسط دهقان‌کیا و توکلی (۱۳۹۴) صورت گرفت، مشخص شد که سطح دینداری، به‌ویژه در ابعاد رفتاری و اعتقادی، با میزان انفاق رابطه مستقیم دارد. این نتایج مؤید تأثیر نهاد دین به عنوان یک نظام فرهنگی در جهت‌دهی به رفتارهای اقتصادی افراد در جوامع مذهبی همچون ایران است. از سوی دیگر، نیکخواه (۱۳۹۷) با رویکردی فرهنگی-اجتماعی، نقش عوامل فرهنگی و مذهبی را به عنوان متغیرهای میانجی در رابطه بین نابرابری و انفاق بررسی کرد و دریافت که تفاوت‌های فرهنگی استانی باعث تضعیف یا تقویت اثر نابرابری بر انفاق می‌شود.

رضایی و همکاران (۱۳۹۷) با رویکرد کمی و استفاده از مدل‌های اقتصادسنجی فضایی، به بررسی اثرات منطقه‌ای نابرابری بر انفاق پرداخته و نتیجه گرفتند که در برخی استان‌ها افزایش نابرابری با

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-25]

کاهش انفاق همراه است، اما در برخی استان‌ها این رابطه معنادار نیست. این یافته‌ها نشان می‌دهد که عوامل منطقه‌ای و ویژگی‌های خاص هر استان در فهم این رابطه باید به دقت مدنظر قرار گیرد.

کریمی و حسینی (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «بررسی رابطه نابرابری درآمدی و انفاق در ایران: مطالعه موردی خانوارهای شهری» نشان دادند که افزایش نابرابری درآمدی در برخی شرایط منجر به کاهش مشارکت خانوارها در انفاق و کمک‌های خیریه می‌شود. این مطالعه با بهره‌گیری از داده‌های خانوارهای شهری ایران به‌صورت تجربی ارتباط منفی بین ضریب جینی و میزان انفاق را اثبات کرد (کریمی و حسینی، ۱۳۹۸).

صالحی و همکاران (۱۳۹۸) به صورت جامع‌تر رابطه بین نابرابری درآمدی و انفاق را در سطح استان‌های ایران تحلیل و تأکید کردند که نابرابری باعث کاهش سطح انفاق شده و سیاست‌های کاهش نابرابری می‌تواند به افزایش رفتارهای انفاقی کمک کند. این یافته با مطالعات پیشین در تضاد نیست، اما اهمیت سیاستگذاری در کاهش شکاف‌های اقتصادی را بیشتر نمایان می‌کند.

حیدری و مرادی (۱۳۹۹) نیز در تحقیق خود تحت عنوان «تأثیر توزیع درآمد بر میزان انفاق و کمک‌های داوطلبانه در استان تهران» با استفاده از داده‌های پیمایشی و مدل‌های اقتصادسنجی به این نتیجه رسیدند که نابرابری درآمدی به‌طور معناداری بر کاهش میزان انفاق تأثیرگذار است و عوامل جمعیتی نظیر سن، تحصیلات و وضعیت اشتغال نیز نقش تعدیل‌کننده دارند (حیدری و مرادی، ۱۳۹۹).

نوری و همکاران (۱۳۹۹) نیز با تمرکز بر نقش سرمایه اجتماعی، دریافتند که اعتماد عمومی به مؤسسات خیریه و نهادهای مدنی، یکی از عوامل کلیدی در تشویق افراد به مشارکت مالی داوطلبانه در جامعه است. در شرایطی که نهادهای واسط از شفافیت و اعتبار کافی برخوردار باشند، ظرفیت انفاق در جامعه به طور قابل ملاحظه‌ای افزایش خواهد یافت.

عباسی و شریفی (۱۴۰۰) در مقاله خود «بررسی تأثیر نابرابری اقتصادی بر رفتارهای خیریه در ایران» به نقش مهم ادراک نابرابری و اعتماد اجتماعی در تعیین میزان انفاق اشاره کردند. یافته‌های آن‌ها حاکی از این است که هرچه ادراک از نابرابری بیشتر و اعتماد اجتماعی کمتر باشد، رفتارهای نوع‌دوستانه و انفاق کاهش می‌یابد (عباسی و شریفی، ۱۴۰۰).

کاظمی و بهرامی (۱۴۰۰) با بهره‌گیری از روش GMM و داده‌های استانی طی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۸ دریافتند که نابرابری درآمدی و نرخ بیکاری اثر منفی معناداری بر سطح انفاق و مشارکت اجتماعی دارند؛ در حالی که رشد اقتصادی اثر مثبت و معناداری بر این متغیرها دارد (کاظمی و بهرامی، ۱۴۰۰).

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-25]

حسینی و کریمی (۱۴۰۰) با رویکرد تطبیقی و تحلیل چند استانی، نقش ساختار اقتصادی و اجتماعی را پررنگ کردند و به این نتیجه رسیدند که استان‌های با اقتصاد پویا و نابرابری کمتر، میزان انفاق بیشتری دارند. این پژوهش به نوعی بیانگر همگرایی یافته‌های اقتصادی و اجتماعی در توصیف رفتار انفاقی است.

کمیسیون اقتصادی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (۱۴۰۱) در گزارشی تحت عنوان «تحلیل تأثیر نابرابری درآمد بر رفتار مصرف‌کننده و انفاق در ایران» تأکید کرده است که نابرابری درآمدی با ایجاد تغییر در الگوهای مصرف و کاهش توان مالی طبقات پایین، موجب کاهش میزان انفاق در جامعه شده و ارائه سیاست‌های هدفمند برای کاهش نابرابری و افزایش انگیزه‌های انفاقی ضروری است (کمیسیون اقتصادی بانک مرکزی، ۱۴۰۱).

پیشینه خارجی

آنگوس دیتون (۱۹۹۷) در کتاب خود «تحلیل نظرسنجی‌های خانوار» به بررسی رابطه پیچیده بین درآمد و مصرف پرداخت و بیان کرد که مصرف خانوارها تحت تأثیر عوامل مختلفی از جمله نابرابری درآمدی قرار دارد. او تأکید کرد که تغییرات درآمدی به صورت نامتقارن بر الگوی مصرف تأثیر می‌گذارد، به طوری که خانوارهای با درآمد پایین عمدتاً مصرف خود را صرف کالاهای اساسی می‌کنند در حالی که خانوارهای پردرآمد انفاق بیشتری بر کالاها و خدمات لوکس دارند (دیتون، ۱۹۹۷)[1].

اتکینسون و همکاران در مطالعه‌ای جامع به بررسی رابطه نابرابری و مصرف پرداختند و نشان دادند که افزایش نابرابری درآمدی می‌تواند منجر به کاهش مصرف کلی و تغییر در الگوهای انفاق شود. آن‌ها تأکید کردند که در جوامعی که نابرابری درآمد بالا است، خانوارهای کم‌درآمد به دلیل محدودیت مالی، توانایی انفاق کافی را ندارند و این امر موجب کاهش کلی رفاه اجتماعی می‌شود (اتکینسون و همکاران، ۲۰۱۱).[2]

توماس پیکتی(۲۰۱۴) نیز در کتاب تأثیرگذار خود «سرمایه در قرن بیست‌ویکم» به تحلیل بلندمدت نابرابری درآمد و ثروت پرداخت. او معتقد است که رشد نابرابری درآمدی سبب کاهش تحرک اقتصادی و تغییرات رفتاری در مصرف و انفاق می‌شود که این موضوع تأثیرات گسترده‌ای بر سیاست‌های رفاهی و توسعه اقتصادی دارد (پیکتی، ۲۰۱۴)[3].

1 Deaton
2 Atkinson et al
3 Thomas et al.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-25]

توماس و همکاران (۲۰۱۵) نیز بر نقش نابرابری در تغییر الگوی انفاق خانوارها تأکید دارند و معتقدند که نابرابری بالا می‌تواند باعث ایجاد شکاف‌های اجتماعی و اقتصادی بیشتری شود که در نهایت بر رفتار مصرفی و انفاق تأثیرگذار است (توماس و همکاران، ۲۰۱۵)[1].

شیخ و همکاران(۲۰۱۷) [2] در مطالعه‌ای با عنوان کاربرد وقف در توسعه مالی و اجتماعی کاربرد وقف در بخش تأمین اجتماعی برای پروژه‌ها و خدمات مرتبط با توسعه مالی و اجتماعی را بررسی نموده‌اند. در کشورها وقف می‌تواند به‌عنوان یک ابزار تأمین مالی ،اجتماعی این شکاف را کاهش دهد. انعطاف‌پذیری قوانین وقف موجب می‌شود که وقف به شکل مستقیم یا غیرمستقیم از طریق مؤسسات مالی دامنه وسیعی از خدمات اجتماعی را فراهم نماید.

آیونیا و همکاران(۲۰۱۸) [3]در مطالعه‌ای با عنوان زکات در جهت ریشه‌کنی فقر و کاهش نابرابری درآمدی جاوا غربی در اندونزی به بررسی نقش زکات در ریشه‌کنی فقر و کاهش نابرابری درآمدی در مناطق شهری و روستایی پرداخته‌اند. در مطالعه مذکور از مدل تعمیم‌یافته مرکز مطالعات اقتصادی و بازرگانی اسلامی روش دهک‌ها و ضریب جینی استفاده‌شده است. نتایج دلالت بر آن دارد که برنامه‌های فعلی جمع‌آوری و توزیع زکات می‌تواند فقر را ریشه‌کن و نابرابری درآمدی را کاهش دهد.

۳. روش پژوهش

این تحقیق از نظر هدف کاربردی است و از نظر ماهیت و روش توصیفی- تحلیلی است؛ زیرا با استفاده از داده‌های تجربی به بررسی مقایسه‌ی تأثیر نابرابری درآمد بر انفاق در دو گروه استانی از حیث رفاه پرداخته است.

جامعه آماری این پژوهش از ۳۰ استان کشور تشکیل شده که بر اساس نسبت هزینه خوراکی به درآمد .[4] به دو گروه تقسیم شده است؛ در گروه اول شامل ۱۴ استان کشور(تهران، قم، یزد، فارس، گلستان، مازندران، اصفهان، آذربایجان شرقی، گیلان، همدان، سمنان، کرمان،قزوین، بوشهر) می‌باشد

1 Thomas et al.
2 Shaikh et al
3 Ayuniyyah
۴ - شاخص هزینه خوراکی به درآمد یکی از شاخص‌های مهم رفاهی است. خانوارهایی که سهم بالایی از درآمد خود را صرف هزینه خوراکی می‌کنند، معمولاً از وضعیت رفاهی پایین‌تری برخوردارند. هرچه نسبت هزینه خوراکی به درآمد کمتر باشد، نشان‌دهنده رفاه اقتصادی بالاتر خانوار است.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-25]

که نسبت هزینه خوراکی به درآمد پایینتر می‌باشد، و گروه دوم شامل ۱۶ استان کشور (خراسان شمالی، خراسان رضوی، هرمزگان، زنجان، اردبیل، آذربایجان غربی، مرکزی، لرستان، کرمانشاه، خوزستان، خراسان جنوبی، کهگیلویه و بویراحمد، ایلام ، چهارمحال و بختیاری، کردستان، سیستان و بلوچستان)می‌باشد که نسبت هزینه خوراکی به درآمد بالاتر می‌باشد. اطلاعات از بانک مرکزی و مرکز آماری دوره زمانی مطالعه نیز ۱۴۰۱- ۱۳۸۵ گردآوری‌شده است. مدل تحقیق به‌صورت زیر می باشد:

$$ENF_{it} = f(ZG_{it}, GDPP_{it}, INF_{it}, UNEM_{it}, POP_{it})$$

جدول(۱): معرفی متغیرهای تحقیق

نام متغیر	تعریف متغیرها	منبع
ENF_{it}	انفاق دربرگیرنده تمام‌پرداخت‌های مالی، خدمتی و زمانی است که فرد برای دیگران و در راه خدا به کار می‌گیرد	در این تحقیق آمار مربوط به این متغیر از سالنامه‌های آماری کمیته امداد استخراج شده است
ZG_{it}	توزیع درآمد (ZE) بدین منظور از ضریب جینی به‌عنوان یک جایگزین متغیر نابرابری درآمدی یا توزیع درآمد استفاده شد. ضریب جینی یک واحد اندازه گیری پراکندگی آماری است که معمولا برای سنجش میزان نابرابری در توزیع درآمد یا ثروت در یک جامعه آماری استفاده می‌شود.	آمار مربوط به ضریب جینی از پایگاه داده‌های بانک مرکزی ایران (CBI) استخراج شده است.
$GDPP_{it}$	برای محاسبه درآمد سرانه تولید ناخالص داخلی (GDP) کشور را بر جمعیت تقسیم کرده عدد به دست آمده درآمد سرانه کشور است. لازم است	آمار مربوط به تولید ناخالص داخلی سرانه از پایگاه داده‌های بانک مرکزی ایران (CBI) استخراج شده است.
INF_{it}	به‌عنوان معیار سنجش تغییرات قیمت کالاها و خدمات مصرفی خانواره، مهم‌ترین ابزار اندازه-گیری میزان تورم در اقتصاد کشور است.	آمار مربوط به نرخ تورم از پایگاه داده‌های بانک مرکزی ایران (CBI) استخراج شده است.
$UNEM$	عبارت از نسبت افراد بیکار در جستجوی کار به کل افراد فعال جامعه است	داده‌ها از مرکز آمار ایران استخراج شده است

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-25]

POP	به مجموعه افرادی که در یک مکان و زمان زندگی می‌کنند، جمعیت گفته می‌شود. جمعیت را می‌توان مجموعه‌ای از خانوارها یا خانواده‌ها در نظر گرفت که برای امری خاص ، در زمانی مشخص و مکانی معین، گرد هم آمده‌اند.	داده‌ها از مرکز آمار ایران استخراج شده است

منبع: یافته های پژوهشگر

۴. یافته پژوهش

۴-۱. آمار توصیفی

جدول(۲):آمار توصیفی

نام متغیرها	تعداد	میانگین	انحراف معیار	حداقل	حداکثر	جارک برا	Prob
ضریب جینی	۵۱۰	۰/۳۳۱	۰/۰۳۷	۰/۲۲۱	۰/۴۳۲	۲/۰۳۵۲	۰/۳۶۱
شاخص قیمت	۵۱۰	۱۲۶/۲۷	۱۱۴/۸۵	۱۶/۲۰	۵۲۰/۳۰	۲۷۶/۹۱	۰/۰۰۰
جمعیت	۵۱۰	۲۵۱/۷۹۱	۲۴۱۶/۷	۵۴۵/۷۸	۱۴۱۶۰	۲۳۳۲/۶	۰/۰۰۰
نرخ بیکاری	۵۱۰	۱۱/۱۲۹	۲/۸۱۹	۵/۳۰	۲۲/۲۰	۵۴/۵۶	۰/۰۰۰
تولید ناخالص[۱] داخلی	۵۱۰	۳۸۶۷۶۰۲	۵۴۰۶۱۸۵۰	۸۴/۷۰۹۳	۴۱۳۸۰۹۳۰	۸۳۱/۰۸۲	۰/۰۰۰

منبع: یافته‌های پژوهشگر

[۱] تولید ناخالص واقعی بر اساس قیمت پایه ۱۳۹۵

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-25]

مطابق جدول شماره (۲) متغیر انفاق سرانه در استان‌های کشور دارای میانگین ۷۳۸۳۸ میلیون ریال بوده که بیشترین مقدار آن ۸۹۰۸۵۱ میلیون ریال و کمترین مقدار آن ۳۱۰۳ میلیون ریال می‌باشد. شاخص توزیع درآمد یا نابرابری درآمد با همان ضریب جینی نیز برای تمامی استان‌ها و در طول دوره مطالعه دارای میانگین ۰/۳۳۱ واحد می‌باشد که بیشترین مقدار آن ۰/۴۳۲ واحد و کمترین مقدار آن نیز ۰/۲۲۱واحد می‌باشد. اعداد به‌دست‌آمده در جدول (۲) شاخص‌های مرکزی و پراکندگی متغیرها را برای استان‌های کل کشور در بازه زمانی ۱۳۸۵ الی ۱۴۰۱ نشان می‌دهند. بیشترین و کمترین ضریب جینی به ترتیب مربوط به برای استان‌های کهگیلویه و بویراحمد و اصفهان ؛بیشترین و کمترین شاخص قیمت به ترتیب مربوط به برای استان‌های زنجان و آذربایجان شرقی؛ بیشترین و کمترین جمعیت به ترتیب مربوط به برای استان‌های تهران و ایلام؛ بیشترین و کمترین نرخ بیکاری به ترتیب مربوط به برای استان‌های کهگیلویه و اذربایجان شرقی و گلستان؛ بیشترین و کمترین تولید ناخالص داخلی به قیمت واقعی به ترتیب مربوط به برای استان‌های تهران و سمنان و بیشترین و کمترین انفاق سرانه به ترتیب مربوط به برای استان‌های اصفهان و ایلام است.

۴-۲-بررسی مانایی متغیرها

جدول (۳): بررسی مانایی متغیرهای پژوهش با استفاده از روش لوین، لین و چو

نام متغیر	نوع آزمون	آماره	Prob	نتیجه (سطح ایستایی)
LZG	Levin, Lin & Chu t	-۲/۸۰۲	۰/۰۰۲۵	پایا
LINF	Levin, Lin & Chu t	-۲/۴۷	۰/۰۰۶۷	پایا
LGDP	Levin, Lin & Chu t	-۳/۴۹۱	۰/۰۰۰۲	پایا
LPOP	Levin, Lin & Chu t	-۳/۸۹۴	۰/۰۰۰	پایا
UNEM	Levin, Lin & Chu t	-۱/۹۴۴	۰/۰۲۵	پایا
LENF	Levin, Lin & Chu t	-۹/۶۷۲	۰/۰۰۰	پایا

منبع: یافته های پژوهشگر

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-25]

جدول (۳) نشان می‌دهد، حداقل دریکی از آزمون ها متغیرهای پژوهش در سطح I. ایستا برای هر دو گروه هستند، چون سطح خطا کمتر از ۰/۰۵درصد می‌باشد.

۴-۳- تعیین طول وقفه مناسب در مدل

برای تعیین تعداد روابط بلندمدت با استفاده از روش جوهانسون لازم است ابتداء الگوی خود توضیح-برداری متناسب با بردارهای متغیر برآورد شود تا با آزمون ریشه های مشخص ماتریس ضرایب حاصل تعداد روابط بلندمدت بین متغیرها تعیین شود. در این پژوهش از معیار شوارتز بیزین استفاده‌شده است.

جدول (۴): تعیین وقفه مدل VAR برای گروه اول

Lag	LogL	LR	FPE	AIC	SC	HQ
۰	۳۵۴,۲۹۷۹-	NA	e-06۸,۷۲	۵,۳۷۷۵۸۱	۵,۵۰۷۳۳۵	۵,۴۳۰۳۰۸
۱	۷۰۶,۸۸۶۸	۲۰۱۱,۴۹۹	e-12۱,۹۸	۹,۹۲۳۶۸۴-	۹,۰۱۵۴۰۶-	۹,۵۵۴۵۸۹-
۲	۹۱۹,۸۲۴۰	۳۸۴,۵۵۸۲	e-13۱,۴۱	۱۲,۵۶۴۵۴-	۱۰,۸۷۷۷۳*-	۱۱,۸۷۹۰۸*-
۳	۹۵۰,۳۶۵۸	۵۲,۴۲۲۵۰	e-13۱,۵۴	۱۲,۴۸۳۰۷-	۱۰,۰۱۷۷۵-	۱۱,۴۸۱۲۴-
۴	۹۹۶,۴۸۳۹	۷۵,۰۲۸۰۰	e-13۱,۳۵*	۱۲,۶۳۴۰۹-	۹,۳۹۰۲۳۸-	۱۱,۳۱۵۸۹-
۵	۱۰۲۹,۹۲۰	۵۱,۴۰۲۳۵	e-13۱,۴۴	۱۲,۵۹۵۸۳-	۸,۵۷۳۴۵۲-	۱۰,۹۶۱۲۶-
۶	۱۰۵۹,۲۰۹	۴۲,۴۰۲۵۰	e-13۱,۶۵	۱۲,۴۹۵۶۵-	۷,۶۹۴۷۵۴-	۱۰,۵۴۴۷۲-
۷	۱۱۰۴,۷۰۰	۶۱,۷۸۶۲۱*	e-13۱,۵۱	۱۲,۶۳۷۳۱*-	۷,۰۵۷۸۸۶-	۱۰,۳۷۰۰۱-
۸	۱۱۳۵,۴۳۷	۳۸,۹۹۴۷۴	e-13۱,۷۵	۱۲,۵۵۸۷۶-	۶,۲۰۰۸۱۰-	۹,۹۷۵۰۹۲-

جدول (۵): تعیین وقفه مدل VAR برای گروه دوم

Lag	LogL	LR	FPE	AIC	SC	HQ
۰	۴۳۱,۸۷۱۶-	NA	e-05۲,۶۴	۶,۴۸۶۹۸۶	۶,۶۱۶۱۱۰	۶,۵۳۹۴۵۸
۱	۸۴۵,۷۱۹۹	۲۴۲۲,۶۹۲	e-13۲,۷۲	۱۱,۹۰۶۹۶-	۱۱,۰۰۳۱۰-	۱۱,۵۳۹۶۶-

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-25]

۲	۱۰۴۶,۱۵۸	۳۶۲,۲۷۲۸	e-142,39*	-۱۴,۳۴۳۰۸*	-۱۲,۶۶۴۴۷*	-۱۳,۶۶۰۹۴*
۳	۱۰۷۵,۵۰۵	۵۰,۴۳۴۲۳	e-142,65	-۱۴,۲۴۴۵۲	-۱۱,۷۹۱۱۸	-۱۳,۲۴۷۵۵
۴	۱۱۰۷,۶۲۶	۵۲,۳۴۵۲۶*	e-142,85	-۱۴,۱۸۷۰۵	-۱۰,۹۵۸۹۷	-۱۲,۸۷۵۲۵
۵	۱۱۳۲,۲۱۲	۳۷,۸۸۱۱۴	e-143,46	-۱۴,۰۱۷۹۶	-۱۰,۰۱۵۱۴	-۱۲,۳۹۱۳۳
۶	۱۱۵۸,۵۳۳	۳۸,۲۱۳۱۳	e-144,14	-۱۳,۸۷۴۵۶	-۹,۰۹۶۹۹۶	-۱۱,۹۳۳۰۹
۷	۱۱۹۴,۰۴۳	۴۸,۳۹۹۰۳	e-144,39	-۱۳,۸۶۷۳۰	-۸,۳۱۴۹۹۹	-۱۱,۶۱۱۰۰
۸	۱۲۲۷,۵۷۵	۴۲,۷۲۱۷۷	e-144,89	-۱۳,۸۳۰۷۳	-۷,۵۰۳۶۹۱	-۱۱,۲۵۹۶۰

منبع: یافته های پژوهشگر

معیار شوارتز بیزین برای گروه اول و دوم برای مدل ها وقفه دو را نشان می‌دهد.

۴-۴ آزمون هم انباشتگی مدل

برای انجام آزمون هم انباشتگی، از آزمون هم انباشتگی جوهانسن آماره اثر و حداکثر مقدار ویژه استفاده می‌شود.

جدول (۴): نتایج آزمون تعیین مرتبه همگرایی در مدل در گروه اول(متغیر وابسته انفاق)

فرض H_0	فرض H_1	مقدارویژه	آماره اثر trace	مقدار بحرانی سطح ۰,۰۵	Prob
$R = ۰$*	$R > ۰$	۰,۳۵۶۷	۲۰۶,۶۳۶۰	۹۵,۷۵۳	۰,۰۰۰
$R = ۱$*	$R > ۱$	۰,۲۰۵۹	۱۱۴,۴۲۵۵	۶۹,۸۱۸	۰,۰۰۰
$R = ۲$*	$R > ۲$	۰,۱۳۹۴	۶۶,۲۲۰	۴۷,۸۵۶۱	۰,۰۰۰۴
$R = ۳$*	$R > ۳$	۰,۰۹۱۵	۳۴,۸۲۰	۲۹,۷۹۷	۰,۰۱۲۱
$R = ۴$	$R > ۴$	۰,۰۶۱۶	۱۴,۷۵۱	۱۵,۴۹۴	۰,۰۶۴۵
$R = ۵$	$R > ۵$	۰,۰۰۶۹	۱,۴۶۲	۳,۸۴۱	۰,۲۲۶

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-25]

فرض H_0	فرض H_1	مقدارویژه	آماره حداکثرمقدار ویژه Max-Eigen	مقدار بحرانی سطح ۰،۰۵	Prob
$R = 0$*	$R > 0$	۰،۳۵۶۷	۹۲،۲۱۰۵	۴۰،۰۷۷۵	۰،۰۰۰
$R = 1$*	$R > 1$	۰،۲۰۵۹	۴۸،۲۰۴۹	۳۳،۸۷۶۸	۰،۰۰۰۵
$R = 2$*	$R > 2$	۰،۱۳۹۴	۳۱،۴۰۰۱	۲۷،۵۸۴۳	۰،۰۱۵۴
$R = 3$	$R > 3$	۰،۰۹۱۵	۲۰،۰۶۹۳	۲۱،۱۳۱۶	۰،۰۶۹۹
$R = 4$	$R > 4$	۰،۰۶۱۶	۱۳،۲۸۹۰	۱۴،۲۶۴۶	۰،۰۷۰۹
$R = 5$	$R > 5$	۰،۰۰۶۹	۱،۴۶۲۰	۳،۸۴۱۴	۰،۲۲۶۶

جدول (۵): نتایج آزمون تعیین مرتبه همگرایی در مدل در گروه دوم(متغیر وابسته انفاق سرانه)

فرض H_0	**فرض H_1**	**مقدارویژه**	**آماره اثر trace**	**مقدار بحرانی سطح ۰،۰۵**	**Prob**
$R = 0$*	$R > 0$	۰،۳۶۰۹	۲۳۱،۲۴۸۷	۹۵،۷۵۳۶	۰،۰۰۰
$R = 1$*	$R > 1$	۰،۳۰۷۲	۱۳۷،۲۰۲۸	۶۹،۸۱۸۸	۰،۰۰۰
$R = 2$*	$R > 2$	۰،۱۳۲۱	۶۰،۱۰۰۳۳	۴۷،۸۵۶۱	۰،۰۰۲۴
$R = 3$*	$R > 3$	۰،۰۹۲۳	۳۰،۳۳۰۴	۲۹،۷۹۷۰	۰،۰۴۳۴

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-25]

$R = ۴$	$R > ۴$	۰,۰۴۵۷	۹,۹۸۳۳	۱۵,۴۹۴۷	۰,۲۸۲۰
$R = ۵$	$R > ۵$	۰,۰۰۰۶	۰,۱۴۲۴۶	۳,۸۴۱۴	۰,۷۰۵۸
فرض H.	فرض $H_۱$	مقدارویژه	آماره حداکثرمقدار ویژه Max-Eigen	مقدار بحرانی سطح ۰,۰۵	Prob
$R = ۰*$	$R > ۰$	۰,۳۶۰۹	۹۴,۰۴۵۹۵	۴۰,۰۷۷۵	۰,۰۰۰
$R = ۱*$	$R > ۱$	۰,۳۰۷۲	۷۷,۱۰۲۴	۳۳,۸۷۶۸	۰,۰۰۰
$R = ۲*$	$R > ۲$	۰,۱۳۲۱	۲۹,۷۶۹۸	۲۷,۵۸۴۳	۰,۰۲۵۸
$*R = ۳$	$*R > ۳$	۰,۰۹۲۳	۲۰,۳۴۷۱	۲۱,۱۳۱۶	۰,۰۶۴۱
$R = ۴$	$R > ۴$	۰,۰۴۵۷	۹,۸۴۰۸	۱۴,۲۶۴۶	۰,۲۲۲۶
$R = ۵$	$R > ۵$	۰,۰۰۰۶	۰,۱۴۲۴	۳,۸۴۱۴	۰,۷۰۵۸

منبع: یافته های پژوهشگر

با توجه تعیین وقفه بهینه دو نتایج آزمون جوهانسن در جدول (۴) و (۵) بر اساس آماره اثر سه رابطه بلند و بر اساس آماره حداکثر مقدار ویژه دو رابطه بلندمدت را نشان می‌دهد؛ چون آماره اثر بر آماره حداکثر مقدار ویژه اولویت دارد پس سه رابطه بلندمدت در سطح ۰,۹۵ بین متغیرهای تحقیق وجود دارد.

۴-۵- برآورد رابطه بلندمدت اثر متغیرهای مستقل بر انفاق در دو گروه بر اساس مدل جوهانسون

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-25]

رابطه بلندمدت اثر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته به‌وسیله روش همجعی جوهانسون مورد بررسی قرار گرفت:

جدول (۶): برآورد رابطه بلندمدت بر اساس مدل جوهانسون برای گروه اول

نام متغیر	ضرایب متغیرها	انحراف معیار	آمار احتمال t
لگاریتم نرخ تورم	۱,۳۱۰۰	۰,۱۹۹۹	۶,۵۸۲ **
لگاریتم تولید ناخالص داخلی	-۰,۲۹۱۱	۰,۰۶۳	-۴,۶۲۰ **
لگاریتم جمعیت	-۰,۰۲۴۶	۰,۱۱۶۷	-۰,۲۱۰
لگاریتم نرخ بیکاری	۰,۳۴۸	۰,۴۱۵	۰,۸۳۸
لگاریتم ضریب جینی	۳,۵۶۵	۱,۰۷۵۳	۳,۳۱۵ **

منبع: یافته های پژوهشگر

وقتی لگاریتم نرخ تورم یک درصد افزایش می‌یابد میزان نرخ انفاق سرانه ۱/۳۱درصد افزایش می یابد (تاثیر معنی‌دار). وقتی لگاریتم تولید ناخالص داخلی یک درصد افزایش می‌یابد میزان انفاق سرانه ۰/۲۹۱۱درصد کاهش می‌یابد (تاثیر معنی‌دار). تاثیر جمعیت و بیکاری بر انفاق سرانه معنی‌دار آماری نمی‌باشد. وقتی ضریب جینی یک درصد افزایش می‌یابد میزان انفاق سرانه ۳/۵۶درصد افزایش می‌یابد (تاثیر معنی‌دار).

جدول (۷): برآورد رابطه بلندمدت بر اساس مدل جوهانسون برای گروه دوم

نام متغیر	ضرایب متغیرها	انحراف معیار	آماراحتمال t
لگاریتم نرخ تورم	-۴,۵۲۶۴	۰,۶۵۱۷	-۶,۹۴۵۵ **
لگاریتم تولید ناخالص داخلی	-۰,۷۹۵۲	۰,۱۹۸۲	-۴,۰۱۲۱ **
لگاریتم جمعیت	۰,۶۸۲۷	۰,۴۹۵	۱,۳۷۹۱
لگاریتم نرخ بیکاری	-۰,۳۴۲۱	۰,۱۶۸۶	-۲,۰۲۹۰ **
لگاریتم ضریب جینی	۱۹,۱۰۹	۱,۴۱۹۳	۱۳,۴۶۳۶ **

منبع: یافته های پژوهشگر

وقتی لگاریتم نرخ تورم یک درصد افزایش می‌یابد لگاریتم نرخ انفاق سرانه ۴/۵۲۶درصد کاهش می‌یابد (تاثیر معنی‌دار). وقتی لگاریتم تولید ناخالص داخلی یک درصد افزایش می‌یابد لگاریتم انفاق سرانه ۰/۷۹۵۲درصد کاهش می‌یابد (تاثیر معنی‌دار). تاثیر جمعیت بر انفاق سرانه معنی‌دار آماری

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-25]

نمی‌باشد. وقتی لگاریتم نرخ بیکاری یک درصد افزایش می‌یابد لگاریتم انفاق سرانه ۰/۳۴۲ درصد کاهش می‌یابد (تاثیر معنی‌دار). وقتی لگاریتم ضریب جینی یک درصد افزایش می‌یابد لگاریتم انفاق سرانه ۱۹/۱۰۹درصد افزایش می‌یابد (تاثیر معنی‌دار).

۴-۶- برآورد مدل تحقیق بر اساس روش خود رگرسیون برداری

مدل را با روش خودرگرسیونی برداری با وقفه بهینه دو مورد برازش قرار می دهیم، نتایج و معادله های مدل در جدول‌های (۸) و (۹) آمده است.

جدول (۸): نتایج برآورد الگوی رگرسیون خود برداری *VAR* گروه اول

نام متغیر	ضرایب متغیرها	انحراف معیار	آماراحتمال t
لگاریتم انفاق سرانه دیک دوره گذشته	۰,۴۳۳	۰,۰۴۶	**۹,۴۰۳
لگاریتم انفاق سرانه دو دوره گذشته	۰,۲۴۶	۰,۰۴۹	**۵,۰۰۷۵
لگاریتم نرخ تورم یک دوره گذشته	۰,۰۲۷۳	۰,۰۲۵۲	۱,۰۸۵
لگاریتم نرخ تورم دو دوره گذشته	۰,۰۰۷۹	۰,۰۳۰	۰,۲۶۲۱
لگاریتم تولید ناخالص داخلی یک دوره گذشته	-۰,۰۰۲۶	۰,۰۲۰	-۰,۱۲۸۵
لگاریتم تولید ناخالص داخلی دو دوره گذشته	-۰,۰۰۵۷	۰,۰۲۷۸	-۰,۲۰۵۵
لگاریتم جمعیت یک دوره گذشته	-۲,۰۷۱۳	۴,۹۲۴	-۰,۴۲۰
لگاریتم جمعیت دو دوره گذشته	۲,۷۵۶	۹,۶۷۲	۰,۲۸۴
لگاریتم نرخ بیکاری یک دوره گذشته	۰,۰۳۰۹	۰,۰۶۸۶	-۰,۴۵۰۸
لگاریتم نرخ بیکاری دو دوره گذشته	۰,۰۴۳۳	۰,۰۷۷۹	۰,۵۵۶۲
لگاریتم ضریب جینی یک دوره گذشته	۰,۲۶۴	۰,۱۸۰	۱,۴۶۵
لگاریتم ضریب جینی دو دوره گذشته	۰,۰۲۳۹	۰,۱۹۳	۰,۱۲۳۹
عرض از مبدا			
R= ۰/۹۲۲۵ F= ۱۲۵/۷۷۲			

منبع: یافته های پژوهشگر

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-25]

نتایج جدول (۸)) حاکی از معناداری کل رگرسیون بواسطه آماره F است.و آماره ضریب تعیین بیان می‌کند ۹۲ درصد از تغییرات متغیر وابسته گروه اول به وسیله متغیرهای مستقل توضیح داده شده است.

جدول (۹): نتایج برآورد الگوی رگرسیون خود برداری *VAR* گروه دوم

نام متغیر	ضرایب متغیرها	انحراف معیار	آماراحتمال t
لگاریتم انفاق سرانه دیک دوره گذشته	۰,۵۵۸۳	۰,۰۷۱۸	**۷,۷۶۸۲
لگاریتم انفاق سرانه دو دوره گذشته	۰,۲۵۲۴	۰,۰۸۰۳	**۳,۱۴۲۶
لگاریتم نرخ تورم یک دوره گذشته	۰,۰۴۹۳۷	۰,۰۳۶۸۰	۱,۳۴۱۹
لگاریتم نرخ تورم دو دوره گذشته	-۰,۰۴۷۸۹	۰,۰۴۱۰۰	-۱,۱۶۸۲
لگاریتم تولید ناخالص داخلی یک دوره گذشته	-۰,۰۰۱۵۸	۰,۰۱۱۴۳	-۰,۱۳۸۲
لگاریتم تولید ناخالص داخلی دو دوره گذشته	-۰,۰۱۲۶۸	۰,۰۱۱۳۵	-۱,۱۱۷۳
لگاریتم جمعیت یک دوره گذشته	-۳,۳۸۶۴	۹,۵۶۷۱	-۰,۳۵۳۹
لگاریتم جمعیت دو دوره گذشته	۴,۴۳۰	۱۸,۸۶۰۷	۰,۲۳۴۸
لگاریتم نرخ بیکاری یک دوره گذشته	-۰,۰۴۳۰	۰,۱۱۵۹	-۰,۳۷۱۵
لگاریتم نرخ بیکاری دو دوره گذشته	-۰,۱۰۷۳	۰,۱۴۲۰۰	-۰,۷۵۵۷
لگاریتم ضریب جینی یک دوره گذشته	۰,۱۷۵۰۰	۰,۱۸۴۳	۰,۹۴۹۲
لگاریتم ضریب جینی دو دوره گذشته	۰,۰۷۵۷۱	۰,۲۰۹۶	۰,۳۶۱۲
عرض از مبدا	۱,۳۷۵۰	۰,۴۷۲۹	۲,۹۰۷۱
R= ۰/۹۱۴ F= ۱۱۲/۹۹۸			

منبع: یافته های پژوهشگر

نتایج جدول (۹)) بیانگر معناداری کل رگرسیون بواسطه آماره F است. ضریب تعیین بیان می‌کند ۹۱ درصد از تغییرات متغیر وابسته گروه دوم به وسیله متغیرهای مستقل توضیح داده شده است.

۴-۷ - تحلیل شوک داده ها و مدت استهلاک آن‌ها

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-25]

نمودارها نشان می‌دهد که هرگاه تکانه یا شوکی به اندازه یک انحراف معیار بر انفاق سرانه در دو گروه اعمال گردد چه تأثیری بر روی متغیرهای دیگر مستقل تحقیق دارد.

نمودار(۳): اثرشوک انفاق سرانه گروه اول

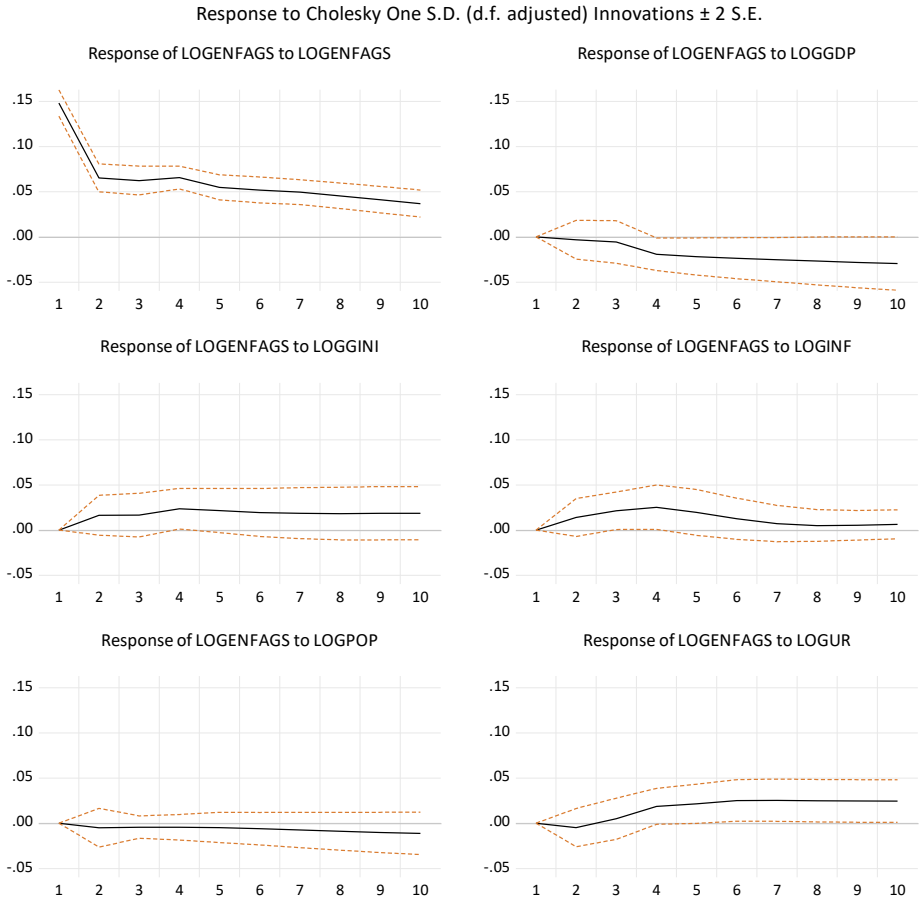

نمودار(۴): اثرشوک انفاق سرانه گروه دوم

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-25]

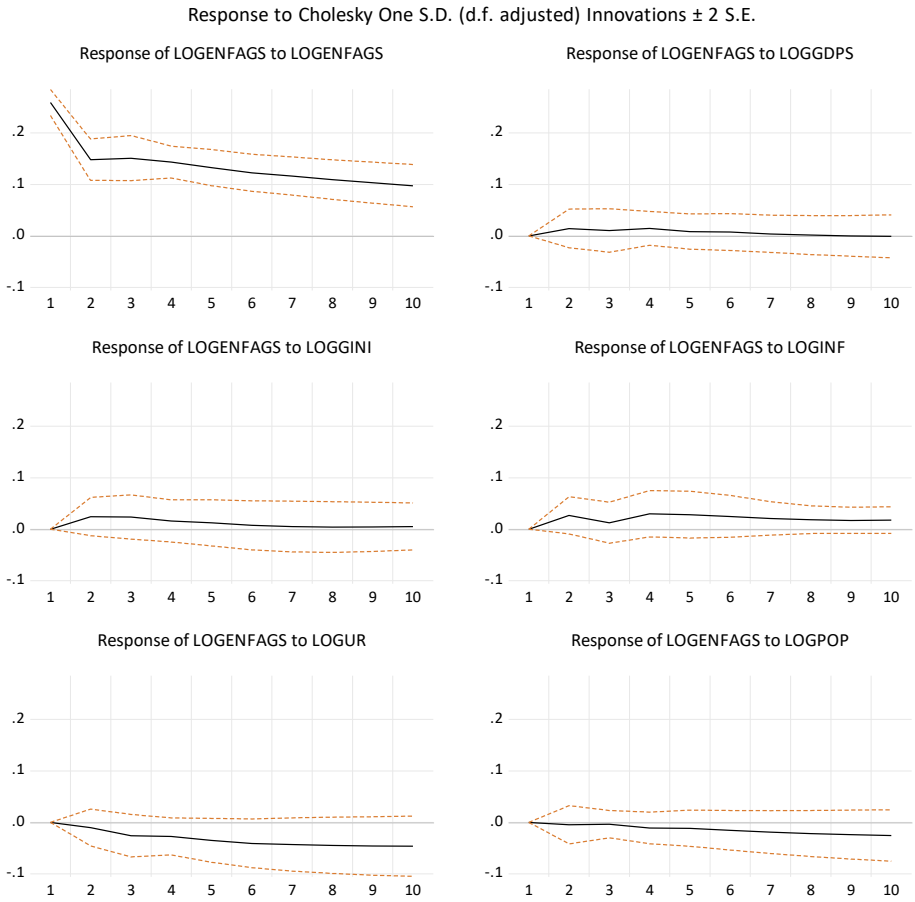

منبع: یافته های پژوهشگر

نتایج تحلیل شوکها نشان می‌دهد:

اثر شوک انفاق بر خود متغیر شوک انفاق برای گروه‌های اول و دوم نشان می‌دهد؛ در کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت اثر شوک، مثبت کاهشی می‌باشد.

تأثیر شوک شاخص قیمت بر انفاق در مقام قیاس دو گروه، روند نزولی انفاق در اثر شوک شاخص قیمت برای گروه اول دیرتر صورت می‌پذیرد.

اثر شوک تولید ناخالص داخلی بر انفاق در گروه اول منفی و فزاینده و در گروه دوم در کوتاه‌مدت مثبت بوده و باگذشت زمان اثر شوک ناپدید شده است.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-25]

تأثیر منفی شوک جمعیتی در هر دو گروه مشاهده گشته لیکن مقدار کاهش انفاق در گروه دوم که از سطح رفاهی کمتری برخوردار بوده، بیشتر می‌باشد.

اثر شوک نرخ بیکاری بر انفاق گروه دوم که از وضعیت رفاهی کمتری برخوردارند، منفی مشاهده می‌شود. این اثر شوک بر انفاق گروه اول مشاهده نمی‌شود.

اثر شوک ضریب جینی بر انفاق در هر دو گروه مثبت است. این تأثیر مثبت برای گروه اول در کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت روند تقریباً یکنواخت بوده لیکن برای گروه دوم این تأثیر مثبت به‌صورت نزولی بوده و رفته رفته اثر آن شوک از بین می‌رود.

۴- ۸ -تجزیه واریانس مدل

تجزیه واریانس، مقوله‌ای است که بعد از واردآمدن شوک مطرح می‌شود که یکی از کاربردهای مدل های رگرسیون برداری است. تجزیه واریانس به‌عنوان معیاری بر عملکرد پویایی، قادر است به تعیین بی‌ثباتی هر متغیر در مقابل شوک وارده بر هریک از متغیرهای دیگر بپردازد، بنابراین برای تعیین سهم بی‌ثباتی ایجاد شده در هریک از معادلات توسط متغیرها می‌باید از تجزیه واریانس استفاده کرد که در جدول‌های زیر طی یک دوره ده ساله آمده است.

جدول (۱۰): تجزیه واریانس در گروه اول(متغیر وابسته انفاق)

Period	S.E.	LOGENFAGS	LOGGDP	LOGGINI	LOGINF	LOGPOP	LOGUR
۱	۰,۱۴۸۱۵۹	۱۰۰,۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰۰۰
۲	۰,۱۶۳۴۹۹	۹۸,۰۶۲۵۳	۰,۰۳۵۲۷۵	۱,۰۰۶۱۱۱	۰,۷۲۳۲۷۱	۰,۰۸۷۶۹۷	۰,۰۸۵۱۱۶
۳	۰,۱۷۷۲۵۴	۹۵,۷۹۰۲۳	۰,۱۳۰۹۰۲	۱,۷۲۷۵۸۶	۲,۰۶۶۰۶۷	۰,۱۳۳۲۲۱	۰,۱۵۱۹۸۹
۴	۰,۱۹۴۰۷۹	۹۱,۳۴۹۱۹	۱,۰۸۳۴۳۶	۲,۹۲۰۷۴۲	۳,۴۲۳۶۹۳	۰,۱۶۲۲۶۰	۱,۰۶۰۶۷۸
۵	۰,۲۰۶۱۱۸	۸۸,۰۶۹۶۸	۲,۰۷۴۵۷۶	۳,۶۸۲۵۹۶	۳,۹۳۸۹۸۲	۰,۱۹۶۲۱۷	۲,۰۳۷۹۴۵
۶	۰,۲۱۶۶۴۶	۸۵,۴۵۶۲۷	۳,۰۵۷۸۲۵	۴,۱۳۷۲۲۵	۳,۸۹۹۱۵۹	۰,۲۵۲۹۵۸	۳,۱۹۶۵۶۷
۷	۰,۲۲۶۱۲۲	۸۳,۲۴۹۹۵	۴,۰۵۳۹۴۳	۴,۴۸۰۷۵۱	۳,۶۷۹۰۷۷	۰,۳۴۰۲۶۹	۴,۱۹۶۰۱۱
۸	۰,۲۳۴۴۴۴	۸۱,۲۰۴۲۵	۵,۰۵۴۱۱۶	۴,۷۷۳۳۵۴	۳,۴۶۸۳۹۹	۰,۴۵۸۵۶۸	۵,۰۴۱۳۱۷
۹	۰,۲۴۱۹۶۰	۷۹,۱۴۴۹۱	۶,۱۰۱۰۸۹	۵,۰۶۸۳۰۷	۳,۳۰۳۶۹۳	۰,۶۰۴۵۰۲	۵,۷۷۷۴۹۶
۱۰	۰,۲۴۸۷۸۸	۷۷,۰۵۵۷۳	۷,۱۷۶۶۸۳	۵,۳۵۸۴۴۳	۳,۱۸۹۲۹۴	۰,۷۷۴۹۳۴	۶,۴۴۴۹۲۰
Cholesky Ordering: LOGUR LOGENFAGS LOGGDP LOGGINI LOGINF LOGPOP							

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-25]

جدول (۱۱): تجزیه واریانس در گروه دوم (متغیر وابسته انفاق)

Period	S.E.	LOGENFAGS	LOGGDPS	LOGGINI	LOGINF	LOGUR	LOGPOP
۱	۰,۲۵۹۲۵۰	۱۰۰,۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰۰۰
۲	۰,۳۰۱۳۸۱	۹۸,۱۷۲۰۲	۰,۲۲۷۱۶۷	۰,۶۶۱۰۹۵	۰,۸۰۳۴۵۷	۰,۱۱۱۲۰۴	۰,۰۲۵۰۵۶
۳	۰,۳۳۹۲۹۳	۹۷,۲۴۲۷۶	۰,۲۷۳۸۴۸	۱,۰۱۱۳۶۹	۰,۷۶۹۵۴۳	۰,۶۷۱۱۸۶	۰,۰۳۱۲۹۸
۴	۰,۳۷۱۳۸۲	۹۶,۰۸۵۹۳	۰,۳۸۵۳۸۰	۱,۰۲۷۶۰۸	۱,۲۸۷۹۵۰	۱,۱۰۱۸۹۲	۰,۱۱۱۲۴۱
۵	۰,۳۹۷۳۵۶	۹۵,۰۷۹۵۵	۰,۳۸۰۰۴۲	۰,۹۹۴۵۴۸	۱,۶۲۸۲۴۷	۱,۷۳۷۴۳۲	۰,۱۸۰۱۸۱
۶	۰,۴۱۹۰۱۱	۹۴,۰۷۳۰۰	۰,۳۷۳۸۳۶	۰,۹۲۶۵۸۳	۱,۸۱۷۵۲۹	۲,۵۰۹۱۵۶	۰,۲۹۹۸۹۶
۷	۰,۴۳۷۹۰۰	۹۳,۱۷۷۲۱	۰,۳۵۰۴۴۷	۰,۸۶۲۰۸۰	۱,۸۹۳۴۸۹	۳,۲۵۶۸۲۹	۰,۴۵۹۹۴۵
۸	۰,۴۵۴۴۸۰	۹۲,۲۹۳۰۱	۰,۳۲۶۴۹۵	۰,۸۰۸۹۱۱	۱,۹۲۳۴۲۵	۳,۹۹۳۱۰۳	۰,۶۵۵۰۵۳
۹	۰,۴۶۹۲۹۱	۹۱,۴۱۱۴۳	۰,۳۰۶۲۱۲	۰,۷۶۷۷۴۹	۱,۹۳۸۰۶۱	۴,۷۰۲۵۸۳	۰,۸۷۳۹۶۵
۱۰	۰,۴۸۲۵۹۰	۹۰,۵۳۰۹۷	۰,۲۸۹۸۳۵	۰,۷۳۷۸۱۹	۱,۹۶۵۹۵۵	۵,۳۶۶۷۲۶	۱,۱۰۸۷۰۰
Cholesky Ordering: LOGENFAGS LOGGDPS LOGGINI LOGINF LOGUR LOGPOP							

منبع: یافته های پژوهشگر

مطابق اثر تجزیه واریانس لگاریتم انفاق طی سالهای اولیه بیشترین میزان تغییرات لگاریتم انفاق از بین متغیرهای موردمطالعه برای گروه اول موردمطالعه به ترتیب توسط ضریب جینی و تورم توضیح داده می‌شود. این تبیین در سالهای آخر به تولیدناخالص‌داخلی و ضریب جینی منتسب می‌شود. برای گروه دوم در سالهای اولیه بیشترین میزان تغییرات لگاریتم انفاق از بین متغیرهای موردمطالعه توسط تورم و نابرابری توضیح داده شده و در سالهای آخر این تبیین بیشتر توسط بیکاری و تورم می‌باشد.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-25]

۵. بحث و تحلیل نتایج و پیشنهادات تحقیق

نتایج تحلیل شوک‌ها در مطالعه حاضر نشان‌دهنده تأثیر متنوع عوامل اقتصادی و جمعیتی بر انفاق در دو گروه استانی با وضعیت رفاهی متفاوت است که این یافته‌ها در بسیاری موارد با نتایج پیشینه تحقیق همسو و قابل تبیین می‌باشد.

در این تحقیق، اثر شوک ضریب جینی بر انفاق در هر دو گروه مثبت گزارش شده است، به‌طوری که در گروه اول اثر این شوک به صورت صعودی و پایدار است و در گروه دوم به مرور زمان ناپدید می‌شود. این نتیجه با مطالعه ماستروماتیو، فلاوویانو و روسو (۲۰۱۷) همخوانی دارد که نشان می‌دهد نابرابری بیشتر در جامعه، نوع‌دوستی و تمایل به کمک‌های خیریه را افزایش می‌دهد. این یافته‌ها تأیید می‌کنند که در شرایط نابرابری، افراد ممکن است انگیزه قوی‌تری برای انفاق داشته باشند. همچنین ایزدخواستی (۱۳۹۶) به تأثیر منفی نابرابری‌های ساختاری بر انفاق اشاره کرده است، اما تفاوت گروه‌های استانی حاضر نشان می‌دهد که اثر نابرابری در استان‌های با رفاه بالاتر، پایدارتر و در استان‌های کمتر برخوردار کوتاه‌مدت است.

در ارتباط با تأثیر منفی شاخص قیمت بر انفاق، افزایش شاخص قیمت، انفاق را کاهش داده و این تأثیر برای گروه دوم استان‌ها که از رفاه کمتری برخوردارند، بیشتر می‌باشد. این یافته با مطالعات نوری و همکاران (۱۳۹۹) که نشان داده‌اند کاهش قدرت خرید ناشی از تورم، انفاق را تحت تأثیر قرار می‌دهد، تطابق دارد. کاهش توان مالی خانوارهای کم‌درآمد سبب کاهش انفاق می‌شود و این اثر در استان‌های محروم‌تر با شدت بیشتری مشاهده شده است. این امر نشان‌دهنده اهمیت سیاست‌های کنترل تورم و تقویت قدرت خرید اقشار آسیب‌پذیر است. تاثیرپذیری انفاق از افزایش شاخص قیمت می‌تواند از کانال های متفاوتی نظیر تغییر در رفتار انفاق، تغییر در اولویت‌های مصرفی، تغییر در توزیع درآمد، کاهش قدرت خرید، افزایش آگاهی و همدلی، تغییر در اولویت‌های هزینه، تغییر در میزان کمک‌های دولتی و نهادهای خیریه و اثر روانی تورم رخ دهد که البته تأثیر هر یک از آن‌ها بر انفاق ممکن است متفاوت باشد.

نتایج تحقیق مبنی بر تأثیر منفی شاخص قیمت بر انفاق در بلندمدت دلالت بر قدرت غلبه مواردی نظیر کاهش قدرت خرید مردم دارد. این کاهش قدرت خرید در گروه دوم استان‌ها که از سطح رفاهی کمتری برخوردار بوده، بیشتر خود را نشان می‌دهد.

افزایش بیکاری تأثیر منفی بر انفاق در گروه دوم ایجاد نموده است. این تأثیر معنی‌دار برای گروه اول مشاهده نشده است. این نتایج با یافته های رضایی و همکاران (۱۳۹۷) و جیحون‌تبار و مداح (۱۳۹۸) هم‌راستا است. این نتایج بیانگر این است که امنیت شغلی و رفاه نسبی گروه اول، اثر منفی بیکاری بر رفتار انفاقی آنان را تعدیل می‌کند. همچنین انگیزه‌های غیراقتصادی مانند باورهای مذهبی

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-25]

و فرهنگی می‌توانند نقش محافظتی در ادامه انفاق حتی در شرایط نامساعد اقتصادی داشته باشند. این مسئله می‌تواند به عوامل مختلفی مرتبط باشد. این گروه در مقام قیاس با گروه دوم دارای رفاه بیشتر یا امنیت شغلی بالا هستند. از اینرو افزایش نرخ بیکاری در جامعه تأثیر چندانی بر وضعیت مالی و در نتیجه میزان انفاق آن‌ها نخواهد داشت. همچنین؛ انفاق همیشه با وضعیت اقتصادی افراد مرتبط نیست. ممکن است انگیزه‌های مذهبی، اجتماعی و یا انسان‌دوستانه در این امر نقش پررنگ‌تری داشته باشند. بنابراین، حتی اگر وضعیت اقتصادی جامعه نامساعد شود، افراد به دلیل این انگیزه‌ها همچنان به انفاق ادامه می‌دهند.

مطابق نتایج تحقیق جمعیت عاملی در جهت کاهش انفاق بوده است. اثر منفی جمعیت بر انفاق نیز مطابق یافته‌های نوری و همکاران (۱۳۹۹) است که افزایش جمعیت بدون بهبود سیاست‌ها و نهادهای حمایتی می‌تواند بار اقتصادی بر خانوارها افزایش دهد و تمایل به انفاق را کاهش دهد. این موضوع نشان می‌دهد که سیاست‌های تقویت نظام تأمین اجتماعی، بیمه بیکاری و کمک‌های هدفمند به خانواده‌های کم‌درآمد برای حفظ و ارتقاء انفاق ضروری است. با افزایش جمعیت، انفاق می‌تواند تحت تأثیر رفتارهای متفاوتی تغییر یابد زیرا عوامل مختلفی در این میان نقش ایفا می‌کنند. افزایش جمعیت به‌تنهایی نمی‌تواند دلیل قطعی برای تغییر در الگوهای انفاق باشد بلکه، این تغییرات تحت تأثیر مجموعه‌ای از عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی رخ می‌دهند. در راستای تأثیر جمعیت استانی بر انفاق در استان‌های ایران، می‌توان سیاست‌های حمایتی نظیر تقویت نظام تأمین اجتماعی و ارائه بیمه بیکاری مناسب به افراد بیکار. ارائه کمک‌های نقدی و غیر نقدی به خانواده‌های کم‌درآمد و آسیب‌پذیر و توسعه برنامه‌های توانمندسازی و آموزش مهارت‌های زندگی برای افراد بیکار و کم‌درآمد را پیشنهاد نمود.

نتایج نشان می‌دهد که اثر شوک تولید ناخالص داخلی بر انفاق در گروه‌های استانی متفاوت است: در استان‌های با رفاه بیشتر اثر منفی و در استان‌های کمتر برخوردار اثر کوتاه‌مدت مثبت دارد. این یافته نشان‌دهنده پیچیدگی رابطه رشد اقتصادی و انفاق است که توسط جیحون‌تبار و مداح (۱۳۹۸) نیز مطرح شده است. رشد اقتصادی به تنهایی نمی‌تواند منجر به کاهش نابرابری و افزایش انفاق شود، مگر آنکه توزیع درآمد عادلانه‌تر و فرصت‌های اقتصادی برای همه اقشار فراهم گردد. همچنین این نتایج با مطالعات آنگوس دیتون (۱۹۹۷) و پیکتی (۲۰۱۴) همخوانی دارد که رشد اقتصادی نابرابر را عاملی در تشدید شکاف درآمدی و کاهش رفاه اجتماعی می‌دانند. افزایش GDP به‌خودی‌خود تضمینی برای کاهش فقر نیست. با این حال، اگر با سیاست‌های اقتصادی مناسب همراه باشد، می‌تواند به بهبود استانداردهای زندگی برای همه افراد جامعه کمک کند. مهم است توجه داشته باشیم که افزایش GDP به‌تنهایی کافی نیست. اگر رشد اقتصادی به‌طور نابرابر توزیع شود، می‌تواند نابرابری را

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-25]

افزایش دهد. به‌عنوان مثال، اگر بیشتر سود حاصل از رشد اقتصادی به ثروتمندان برسد، در حالی که فقرا سهم کمی دریافت می‌کنند، شکاف درآمدی افزایش خواهد یافت. رشد اقتصادی معمولاً فرصت‌های شغلی بیشتری ایجاد می‌کند. اگر این فرصت‌ها به‌طور عادلانه توزیع شوند، می‌توانند به افراد کمک کنند تا از فقر خارج شوند و شکاف درآمدی را کاهش دهند. رشد اقتصادی می‌تواند منجر به سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها مانند جاده‌ها، برق و ارتباطات شود. این امر می‌تواند دسترسی به خدمات و فرصت‌ها را برای افراد در مناطق محروم بهبود بخشد. در راستایی تأثیر افزایش تولید ناخالص داخلی (GDP) استانی بر انفاق در استان‌های ایران، می‌توان چند پیشنهاد را در نظر گرفت که هم جنبه‌های اقتصادی و هم جنبه‌های اجتماعی و فرهنگی را پوشش دهند: از جله این موارد می‌توان توسعه صنایع با ارزش‌افزوده بالا، تشویق و حمایت از صنایع دانش‌بنیان، فناوری‌های پیشرفته و صنایع خلاق و بهبود فضای کسب و کار از طریق کاهش موانع اداری و مقررات دست و پاگیر برای تسهیل فعالیت‌های اقتصادی را اشاره نمود.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-25]

منبع

۱. احمدی، م.، صفایی، ر.، و همکاران. (۱۳۹۹). نقش زکات در کاهش فقر و نابرابری: مطالعه موردی ایران. *مجله پژوهش‌های اقتصادی*، ۲۷(۲)، ۲۳-۴۱.

۲. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران. (۱۴۰۱). *گزارش کمیسیون اقتصادی بانک مرکزی*: تحلیل تأثیر نابرابری درآمد بر رفتار مصرف‌کننده و انفاق در ایران.

۳. خرمشاهی، بهاءالدین .(۱۳۷۷). دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی. تهران: دوستان.

۴. دهقان‌کیا، م. و توکلی، ع. (۱۳۹۴). رابطه دینداری و انفاق: تحلیل اقتصادی رفتاری. *مجله اقتصاد اسلامی*، ۱۰(۱)، ۱۲-۳۰.

۵. حیدری، ع. و مرادی، م. (۱۳۹۹). تأثیر توزیع درآمد بر میزان انفاق و کمک‌های داوطلبانه در استان تهران .*فصلنامه علوم اقتصادی دانشگاه تهران*، ۳۳(۱)، ۱۲۵-۱۴۰.

۶. سبحانی، حسن و مهربانی، وحید (۱۳۸۷). بررسی تأثیر انفاق بر نابرابری درآمدها در ایران. *فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی* . سال هفتم ،شماره (۳۷)، ۴۳- ۲۳.

۷. شکرانی، رضا و سیدنادری، طاهره سادات (۱۳۹۶). اولو یت سنجی انفاق در قرآن و حدیث. فصلنامه دو علمی پژوهشی مطالعات قرآن و حدیث. سال دهم، شمارۀ (۲)، ۶۷-۳۹.

۸. صفایی، زهرا، شاکری بستان آباد، رضا و محسن، صالحی کمرودی (۱۳۹۹) ، بررسی عوامل مؤثر بر درآمد زکات (مطالعه موردی :کمیته امداد امام خمینی استان سیستان و بلوچستان)، فصلنامه علمی اقتصاد و بانکداری اسلامی. ۳۳ .۲۳۹-۲۲۳

۹. عباسی، س. و شریفی، ر. (۱۴۰۰). بررسی تأثیر نابرابری اقتصادی بر رفتارهای خیریه در ایران . *نشریه اقتصاد و توسعه*، ۷(۲)، ۵۵-۷۴.

۱۰. عزتی، مرتضی و نورمحمدلو، پروانه.(۱۳۹۱). برآورد اثر متغیرهای اقتصاد کلان بر انفاق. *پژوهش‌ها و سیاستهای اقتصادی*، ۲۰(۶۳)، ۱۵۴-۱۳۳

۱۱. علیزاده، امیرخادم؛ عبدالهی آرانی، مصعب و غفورزاده، حسین (۱۳۹۶). ارتباط انفاق و رشد اقتصادی در ایران. *فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی*. سال هفدهم. شمار (۶۵)، ۳۲-۵.

۱۲. غفاری، هادی.، حسامی عزیز، باقر. و بهزادی موحد، محمد امین.(۱۳۹۷). مقایسه تأثیر مالیات اسلامی زکات با مالیات متعارف بر توزیع درآمد در استان‌های منتخب ایران. *دو فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات اقتصاد اسلامی*. سال یازدهم، شماره اول(۲۱)، ۱۱۲- ۸۹.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-25]

۱۳. غفاری فرد، محمد. و میرزایی، هادی.(۱۴۰۰). تأثیر استان در درآمد توزیع بر انفاق ایران مختلف های (تابلویی های داده رویکرد). دو *فصلنامه علمی مطالعات اقتصاد اسلامی*، مقاله پژوهشی، سال سیزدهم، شماره اول (پیاپی۲۶)، ۳۳۷-۳۷۰.

۱۴. قرشی، سید علی اکبر .(۱۳۶۱). قاموس قرآن. تهران: دارالکتب اسلامیه.

۱۵. کریمی، م. و حسینی، ز. (۱۳۹۸). بررسی رابطه نابرابری درآمدی و انفاق در ایران: مطالعه موردی خانوارهای شهری .*پژوهش‌های اقتصادی ایران*، ۴۵، ۸۳-۱۰۲.

۱۶. کمیسیون اقتصادی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران. (۱۴۰۱). تحلیل تأثیر نابرابری درآمد بر رفتار مصرف‌کننده و انفاق در ایران.

۱۷. محمودی، عباس‌علی (۱۳۸۳). انفاق کلید اقتصاد. تهران: فیض کاشانی.

۱۸. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. (۱۳۹۹). گزارش وضعیت نابرابری درآمدی و تأثیر آن بر سیاست‌های رفاهی و انفاق در ایران.

۱۹. مرادی، مهدی. و سلمانپور، علی (۱۳۹۶). تأثیر حکمرانی خوب بر توزیع درآمد در کشورهای منتخب عضو سازمان همکاری اسلامی. *جامعه شناسی نهادهای اجتماعی*، ۴ (۱۰)، ۵۹ـ۳۳.

۲۰. نصیر خانی، پرویز. ؛عزتی، مرتضی. ونظام پرست، رضوانه.(۱۳۹۷). تأثیر نهادهای اسلامی انفاق و قرض‌الحسنه بر کاهش فقر در ایران. *فصلنامه علمی- ترویجی اقتصاد و بانکداری اسلامی*. شماره (۲۵)، ۲۳۶- ۲۲۱.

۲۱. نظری، محمد، حسینی، علی، و رضایی، ناصر (۱۳۹۸). تأثیر نابرابری درآمد بر الگوی مصرف خانوار در استان‌های ایران .*مجله اقتصاد و توسعه منطقه‌ای*، دوره ۱۲، شماره ۳، صفحات ۱۵۰-۱۷۵.

۲۲. قرشی، سید علی اکبر (۱۳۶۱). *قاموس قرآن*. تهران: دارالکتب اسلامیه.

23. Alesina, A & ,.Rodrik, D. (1994). Distributive politics and economic growth. *The quarterly journal of economics*, 109(2), 465-490.

24. Atkinson, A. B., Piketty, T., & Saez, E. (2011). Top Incomes in the Long Run of History. *Journal of Economic Literature*, 49(1), 3-71.

25. Ayuniyyah, Q., Pramanik, A. H., Saad, N. M., Ariffin, M. I. (2018). Zakat for Poverty Alleviation and Income Inequality Reduction: West Java, Indonesia. *Journal of Islamic Monetary Economics and Finance*, 4(1), 85-100

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-25]

26. Bashir, A. (2022). Reducing Poverty and Income Inequalities: Current Approaches and Islamic Perspective. *Journal of King Abdulaziz University: Islamic Economics*, 31(1), 93-104.
27. Barro, R. J. (2000). Inequality and Growth in a Panel of Countries. *Journal of economic growth*, 5 (1), 5-32.
28. Deaton, A. (1997). *The Analysis of Household Surveys: A Microeconometric Approach to Development Policy*. Johns Hopkins University Press.
29. Dabla-Norris, M. E., Kochhar, M. K., Suphaphiphat, M. N., Ricka, M. F & ,. Tsounta, M. E. (2015). Causes and consequences of income inequality: A global perspective. International Monetary Fund.
30. Khasandy, F. A & .Badrudin, R. (2019). The Influence of Zakat on Economic Growth and Welfare Society in Indonesia. *Integrated Journal of Business and Economics*, 3(1), 65-79.
31. Mahendra, Taufik Riza, Sarah, Yuni, and Fitriani, Ghina (2021). The Influence of Perception and Attitude Toward Zakat, Infaq, and Alms Interest in Overcoming Poverty Levels in Indonesia (case study in Yogyarta). *Airlangga International Journal of Islamic Economics and finance*, 4 (1).
32. Mdingi, K & ,.Ho, S. Y. (2021). Literature review on income inequality and economic growth. MethodsX, 8, 101402.
33. Pasha, Mustapha Kemal, and Pratama, Abdul Aziz (2021). Human Development Index, Zakat Infaq. *Annual International Conference on Islamic Economics and Business*, 152-161.
34. Piketty, T. (2014). *Capital in the Twenty-First Century*. Harvard University Press.
35. Suprayitno, E., Abdul Kader, R & ,.Harun, A. (2013). "The Impact of Zakat on Aggregate Consumption in Malaysia", *Journal of Islamic Economics* , Banking and Finance, 9.(۱)
36. Thomas, A., Smith, J., & Brown, R. (2015). Inequality and Household Spending Patterns. *Journal of Economic Studies*, 42(3), 456-478.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-25]

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-25]